

نقش متنوع‌سازی صادرات بر رابطه بین باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منتخب (۲۰۱۵-۱۹۸۰)^۱

زهرا عزیزی^۲

مهدی پدرام^۳

پگاه عزیزی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۵

تاریخ ارسال: ۱۳۹۶/۱۰/۲۹

چکیده

در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای در ارتباط با چگونگی اثرگذاری باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی در کشورها انجام پذیرفته است، این در حالی بوده که تعداد محدودی از مطالعات بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی تمرکز یافته‌اند. گروهی از این پژوهش‌ها باز بودن را عاملی برای دستیابی به رشد اقتصادی باثبات‌تر و گروهی آن را عاملی برای ایجاد بی‌ثباتی در اقتصاد دانسته‌اند. از این‌رو، نتایج واحد و یکسانی را تأیید نکرده‌اند. یک دلیل مهم برای این ابهام می‌تواند ساختار تجارت و صادرات کشورها باشد. وابستگی صادرات به چند کالای خاص سبب می‌شود هنگام بروز یک اختلال در صادرات، بخش وسیعی از تولید و درآمدهای ارزی کشور با مشکل مواجه شود. از این‌رو، در مقاله حاضر، علاوه بر بررسی نحوه اثرگذاری باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی، نقش متنوع‌سازی صادرات در این ارتباط مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور از داده‌های ۱۸ کشور منتخب در حال توسعه، طی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۸۰ استفاده و دو الگوی پنل برآورد شده که الگوی اول بدون در نظر گرفتن تنوع صادراتی بوده و الگوی دوم با وارد کردن این متغیر به صورت متقاطع با باز بودن تجاری، برآورد شده است. نتایج پژوهش بیان‌کننده این است که هرچه میزان باز بودن تجاری بیشتر شود، به

۱- این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا استخراج شده است.

۲- استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: z.azizi@alzahra.ac.ir

۳- استاد گروه اقتصاد دانشگاه الزهرا، پست الکترونیکی: MehdiPedram@alzahra.ac.ir

۴- کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه الزهرا، پست الکترونیکی: Pegah.azizi.71@gmail.com

دلیل انتقال شوک‌های خارجی به اقتصاد، بی‌ثباتی رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، اما تنوع صادراتی می‌تواند به کاهش بی‌ثباتی رشد اقتصادی ناشی از تجارت جهانی کمک کند.

واژگان کلیدی: متنوع‌سازی صادرات، بی‌ثباتی رشد اقتصادی، باز بودن تجاری، آزادی اقتصادی، داده‌های پنل.

طبقه‌بندی JEL: C23, F43, F13, O24

۱- مقدمه

طی دو دهه گذشته، جهان شاهد تغییرات اساسی در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها بوده است. در بیشتر کشورها تأکید بر آزادی اقتصادی، باز بودن تجاری، حذف موانع و محدودیت‌های تجاری، کاهش مداخلات دولت در اقتصاد و حرکت به سوی نظام بازار آزاد از برجسته‌ترین این تحولات است. باز بودن تجاری مقوله‌ای است که اقتصاددانان و سیاست‌گذاران همواره به آن توجه کرده‌اند و برخی از آنها معتقدند، باز بودن تجاری به بهبود عملکرد متغیرهای کلان اقتصادی کمک می‌کند و روند رشد اقتصادی را تسریع می‌بخشد. اغلب مطالعات تجربی نشان می‌دهند که اقتصادهای باز سریع‌تر از اقتصادهای بسته رشد می‌کنند، دلیل این گرایش قوی در مطلوبیت باز بودن تجاری تا حدی بر نتایج دامنه‌دار مطالعات تجربی استوار است، مبنی بر اینکه اقتصادهای برون‌نگر نسبت به اقتصادهای درون‌نگر، نرخ رشد بالاتری را تجربه کرده‌اند. از این رو، مطالعات زیادی چگونگی اثرگذاری باز بودن تجاری را بر فعالیت‌های اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند، اما تعداد مطالعاتی که چگونگی رابطه بین باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی را مطالعه کرده باشند، اندک است. این در حالی بوده که با توجه به گرایش ایجاد شده در کشورها برای افزایش مبادلات تجاری نحوه تأثیرگذاری این گونه سیاست‌ها بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی بسیار مهم است.

نخستین هدف هر اقتصادی برای حرکت در مسیر رشد و توسعه، رسیدن به رشد پایدار

و باثبات است، از این رو، تلاش‌های زیادی برای کاهش بی‌ثباتی رشد اقتصادی صورت می‌گیرد. یکی از عواملی که بر میزان بی‌ثباتی رشد اقتصادی مؤثر بوده، ترکیب صادرات یک کشور است. وابستگی بیش از حد اقتصاد کشور به تجارت یا صادرات یک یا چند محصولی از مواردی است که آسیب‌پذیری اقتصاد کشورها را از ناحیه اعمال تحریم‌ها و بحران‌ها افزایش می‌دهد. عدم تنوع صادراتی و عموماً تمرکز بر صادرات منابع نفتی و مواد خام، وابستگی اقتصاد کشور را به درآمدهای صادراتی افزایش می‌دهد و هرگونه اعمال فشار از این ناحیه می‌تواند تمام نظام اقتصادی را دچار اختلال کند (محمدی و دوگانی، ۱۳۹۴)، اما تنوع صادراتی بالا به‌عنوان عامل ضربه‌گیر در مقابل شوک‌های خارجی عمل می‌کند و نوسانات وارد شده بر متغیرهای کلان، از جمله رشد اقتصادی را تا حدودی تعدیل می‌سازد (دانینگ^۱، ۲۰۰۵) و این گونه می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر اقتصاد را برای تثبیت و پایداری رشد اقتصادی و کاهش نوسانات، یاری دهد. در واقع، متنوع‌سازی صادرات می‌تواند نوسانات درآمدهای صادراتی را کاهش دهد، زیرا با تنوع صادراتی، سبد کالایی صادرات مانند پرتفوی عمل می‌کند و ریسک را کاهش می‌دهد (حسه^۲، ۲۰۰۸). بنابراین، درجه وابستگی یک کشور به صادرات محصولی خاص می‌تواند آن کشور را در مبادلات جهانی آسیب‌پذیر و امنیت اقتصادی کشور را تهدید کند.

با توجه به آنچه بیان شد، در این مقاله، به دنبال یافتن نقش تنوع صادراتی در رابطه بین باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی هستیم. نوآوری این مقاله نسبت به مطالعات موجود را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد؛ اغلب مطالعات مرتبط با آثار باز بودن یا متنوع‌سازی صادرات، بر رشد اقتصادی تمرکز داشته‌اند، این در حالی است که به‌خصوص در ایران پژوهش‌های اندکی در حوزه بی‌ثباتی یا نوسانات رشد اقتصادی انجام شده است. در مقاله حاضر با توجه به اهمیتی که ثبات رشد اقتصادی در کشورها و برنامه‌ریزی‌های سیاست‌گذاران دارد، آثار باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی بررسی می‌شود و با ورود تنوع صادرات به الگو، نقش متغیر یادشده در این ارتباط بررسی می‌شود، براساس این،

1- Dunning

2- Hesse

باز بودن تجاری می‌تواند یک ضریب غیرخطی داشته باشد که مقدار آن به میزان تنوع صادراتی بستگی دارد. تمرکز این مقاله بر کشورهای درحال توسعه است که بسیاری از آنها، اقتصادی متکی بر صادرات مواد اولیه و خام دارند. به‌منظور بررسی این ارتباط از داده‌های ۱۸ کشور درحال توسعه طی دوره ۲۰۱۵-۱۹۸۰ در چهارچوب الگوی پنل استفاده شده است. مقاله حاضر شامل ۶ بخش است؛ پس از مقدمه، مبانی نظری و تئوریک موجود در حوزه مطالعه حاضر ارائه می‌شود. سپس، به بررسی مطالعات تجربی گذشته می‌پردازیم. در بخش چهارم، الگوی مورد استفاده در این مقاله معرفی و در بخش بعدی آن نتایج تجربی به‌دست آمده از برآورد الگو تبیین می‌شود. در انتها نتیجه‌گیری و پیشنهادهای حاصل از پژوهش ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری

در دنیای امروز که شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه به‌خوبی درک شده، جنبش عظیمی در کشورهای جهان سوم برای از بین بردن این شکاف اقتصادی به‌وجود آمده است، بنابراین، به رشد اقتصادی اهمیت زیادی داده می‌شود، اما برای رسیدن به رشد و توسعه باثبات و متعادل عوامل بسیاری تأثیرگذارند که باید به آنها توجه کافی شود. یکی از این سیاست‌ها، سیاست توسعه تجارت خارجی به‌عنوان موتور رشد و توسعه است. در اقتصاد امروز، کشورها با نظام‌های سیاسی متفاوت، ضرورت تقویت و توجه به تجارت را از اهداف اصلی خود در سیاست‌گذاری‌های تجاری می‌دانند، زیرا تجارت علاوه بر موتور محرک بخش تولیدی، سبب انتقال دانش و تعامل اقتصادی و فرهنگی می‌شود و در عصر جهانی شدن مهم است. آدام اسمیت که به‌عنوان پدر علم اقتصاد شناخته شده است، با ارائه نظریه مزیت مطلق، تجارت خارجی را وسیله‌ای برای گسترش بازار داخلی، تقسیم کار و افزایش تولید می‌داند. در ادامه، ریکاردو (۱۸۱۷)، نظریه مزیت نسبی را ارائه کرد که نسبت به نظریه اسمیت فراگیرتر بود. این نظریات (مزیت مطلق و نسبی)، تا مدت‌ها به‌عنوان پایه نظریات تجارت بین‌الملل به‌شمار می‌آمد. در نیمه نخست قرن بیستم،

نظریه فراوانی نسبی هکشر- اوهلین^۱ مطرح شد که براساس آن، هر کشور باید کالایی را صادر کند که منابع تولید آن در کشور از فراوانی نسبی بیشتری برخوردار باشد. نظریات مطرح شده همگی از گسترش تجارت حمایت کردند و نشان دادند که هر کشور در مقایسه با شرایط نبود تجارت می‌تواند به درآمد ملی واقعی بالاتری دست یابد.

پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) با هدف گسترش تجارت و کاهش تعرفه‌ها ایجاد شد و به منظور تسهیل تجارت بین‌الملل، چهارچوبی کلی را برای مذاکره در مورد آزادسازی دسترسی به بازارها ایجاد کرد. از سال ۱۹۷۰ به بعد، تلاش زیادی برای آزادسازی تجاری و کاهش موانع در تجارت بین‌المللی صورت پذیرفت. این تغییرات نتولبرالیستی بازارگرا، ابتدا در کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند انگلستان و آمریکا و پس از آن، با حمایت مستقیم نهادهای بین‌المللی، در بسیاری از کشورهای درحال توسعه پذیرفته شد تا جایی که به شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵، با هدف کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجارت برای دسترسی آزادانه کشورها به بازارهای بین‌المللی منجر شد. پیوند مثبت باز بودن تجاری و رشد اقتصادی که به شدت از سوی محافل آکادمیک و نهادهای بین‌المللی تبلیغ شده، انگیزه مناسبی را برای بسیاری از کشورهای درحال توسعه به منظور انجام اصلاحات تجاری طی سی سال گذشته به وجود آورده است، به همین دلیل، بسیاری از کشورهای درحال توسعه به مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی دست زدند که با عنوان آزادسازی در ادبیات توسعه اقتصادی مطرح شده است (رضایی و مهرآرا، ۱۳۸۸).

در این مقاله، با توجه به اهداف بیان شده آن، در بخش مبانی نظری، ابتدا به تبیین اثر باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد می‌پردازیم و سپس، نقش متنوع‌سازی صادرات را در این ارتباط بررسی می‌کنیم.

۲-۱- آثار باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی

براساس مطالعات نظری موجود، ارتباطی مبهم و پیچیده بین محدودیت‌های تجاری و

بی‌ثباتی رشد اقتصادی وجود دارد. گروهی این ارتباط را مستقیم و برخی آن را معکوس ارزیابی می‌کنند. در واقع، اتفاق‌نظری در مورد مثبت یا منفی بودن این ارتباط در مباحث پیرامون آن نمی‌توان یافت. در دهه ۱۹۹۰، نظریه‌پردازانی مانند رومر^۱ (۱۹۹۰) و وایا و همکاران^۲ (۱۹۹۹)، الگوهای متفاوتی را در زمینه تجارت و رشد ارائه دادند که براساس آنها باز بودن تجاری از طریق افزایش تنوع و کیفیت نهاده‌های واسطه‌ای، گسترش دانش و افزایش اندازه بازارها، رشد اقتصادی را تحریک می‌کند. در واقع، آنچه نقش تجارت و باز بودن اقتصاد را بیشتر مشخص می‌سازد، آن است که باز بودن تجاری و امکان دسترسی کشورهای مختلف به داده‌های مهم صنعتی، ظهور فناوری‌های موجود را فراهم ساخته است، به‌طوری که کشورها می‌توانند با تکیه بر توان داخلی و صناعی که در آن مزیت نسبی دارند، کارآیی و سودآوری خود را افزایش دهند. این افزایش سودآوری خود می‌تواند به ایجاد انگیزه برای افزایش تولید در دوره‌های بعد و همچنین ورود تولیدکنندگان به عرصه تولید در یک فضای رقابتی‌تر منجر شود، به‌طوری که در چنین فضای رقابتی بنگاه‌های ناکارآمد، قادر به ادامه فعالیت نیستند و تنها بنگاه‌هایی با کارآیی و تخصص برتر در میدان باقی می‌مانند. در چنین محیطی، با گسترش بازارها، امکان بهره‌گیری از ایده‌ها و تفکرهای نو، صرفه‌جویی‌های مقیاس و تسهیل جریان سرمایه حاصل خواهد شد و تمام این عوامل در ایجاد یک رشد مداوم همراه با نوسانات کمتر، مؤثر خواهند بود.

براساس این، باز بودن تجاری می‌تواند به رشد باثبات در یک کشور کمک کند. این موضوع می‌تواند از طریق انتقال تکنولوژی، افزایش تنوع و کیفیت نهاده‌های واسطه‌ای، افزایش سرمایه‌گذاری و مانند آن باشد و به بهبود فرآیند رشد و ثبات کشورها منجر شود. مزیت اصلی باز بودن تجاری این است که در صورتی که اقتصاد یک کشور با بحران در یک بخش مواجه شود (مازاد عرضه یا تقاضا)، توانایی این را خواهد داشت که با حضور در بازارهای جهانی مشکل پیش آمده در این بخش را از طریق فروش مازاد تولید یا تأمین مازاد تقاضا از بازارهای جهانی کاهش دهد. بدین ترتیب، از ایجاد نوسانات شدید در

1- Romer

2- Vaya et al.

بخش‌های مختلف اقتصادی و تسری آن به سایر بخش‌ها جلوگیری کند (شهنازی، ۱۳۸۴)، اما از سوی دیگر، این امکان وجود دارد که با افزایش مبادلات اقتصادی با بازارهای خارجی، کشورها به‌طور گسترده‌تری در معرض نوسانات جهانی قرار گیرند و بخشی از این نوسانات ناخواسته به اقتصاد کشور تحمیل شود و ثبات اقتصادی را دستخوش تغییر کند، به‌طوری که هرچه درجه باز بودن تجاری یک اقتصاد بیشتر باشد، یک اختلال در صادرات و واردات، آثار گسترده منفی بر اقتصاد به دنبال خواهد داشت. بنابراین، افزایش تجارت می‌تواند در افزایش نوسانات اقتصادی مؤثر باشد (بریگو گلیو و همکاران، ۲۰۰۹). بررسی تجارب که سیاست‌های باز بودن تجاری را بی‌قیدوشرط و فارغ از ملزومات آن به کار بسته‌اند، تردیدهایی جدی را نسبت به میزان مفید بودن این‌گونه سیاست‌ها در کشورها فراهم کرد. یکی از این ملزومات، ساختار تجاری کشورهاست، به‌طوری که آثار مثبت باز بودن تجاری می‌تواند در ایجاد یک رشد اقتصادی باثبات، مفیدتر باشد که با تنوع صادرات همراه شود. در ادامه، اثر متنوع‌سازی صادرات بر این ارتباط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲- نقش تنوع صادراتی در رابطه بین باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی یکی از بحث‌های اخیر در نظریه توسعه اقتصادی درجه تنوع و تخصص در ساختار تولید و تجارت کشورها بوده است. از نظریه آدام اسمیت مبنی بر اهمیت تقسیم کار و تخصص در رشد و توسعه اقتصادی تا مدل تجارت بین‌الملل هکشر- اوهلین-ساموئلسون^۲، موضع اقتصاد نئوکلاسیک این بود که کشورها باید برحسب مزیت‌های نسبی‌شان در تولید و صادرات تخصص داشته باشند، اما بعد از جنگ جهانی دوم با بازسازی اروپا و افزایش استقلال کشورهای مستعمره پیشین، یکی از نخستین بحث‌های مطرح شده در زمینه اقتصاد توسعه، بحث مناسب بودن متنوع‌سازی صادرات بود که مورد توجه قرار گرفت، ایده اصلی این بحث حاصل تز پریش^۳ (۱۹۶۲) و بحث «فشار شدید توسعه»^۴ بود که توسط روسنتین

1- Briguglio et al.

2- Heckscher – Ohlin – Samuelson

3- Prebisch

4- Big Push Theory of Development

رودان^۱ (۱۹۴۳)، مطرح شد. بحث اصلی براساس این دیدگاه بود که وابستگی کشورهای درحال توسعه به تولید و صادرات کالاهای اولیه، آنها را نسبت به شوک‌های کالایی، نوسانات قیمت و کاهش نرخ مبادله، آسیب‌پذیر می‌کند. براساس مدل‌های ساختاری توسعه اقتصادی، کشورها باید برای رسیدن به رشد پایدار، صادراتشان را از محصولات اولیه به محصولات کارخانه‌ای تنوع بخشند.

پریش (۱۹۵۰) و سینگر (۱۹۵۰)، در مطالعاتی نشان دادند که رابطه مبادله مواد اولیه نسبت به کالاهای صنعتی یا رابطه مبادله کشورهای درحال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته طی چند دهه اخیر کاهشی بوده است. پایین بودن کشتش درآمدی تقاضا برای محصولات اولیه نسبت به کالاهای صنعتی سبب کاهش رابطه مبادله، به ضرر کشورهای درحال توسعه می‌شود، زیرا با افزایش درآمد کشورها، سهم درآمد خرج شده برای مواد اولیه کمتر می‌شود. به همین دلیل، تنوع صادراتی به عنوان راهی برای برون‌رفت از آن و بهبود رابطه مبادله مطرح شده است. تنوع صادراتی به معنای تغییر صادرات از مواد اولیه به کالای صنعتی و افزایش سهم کالاهای صنعتی در صادرات غیرنفتی در نظر گرفته شد که این، می‌توانست مانع کاهش بیشتر رابطه مبادله برای کشورهای درحال توسعه شود (خدادادی، ۱۳۸۲).

امروزه، متنوع‌سازی صادرات مورد توجه بسیاری از سیاست‌گذاران اقتصادی است. منظور از متنوع‌سازی صادرات، افزایش تعداد کالاهای صادراتی و کاهش وابستگی به یک منبع درآمدی است. البته، در مطالعات مختلف، تعریف‌های متفاوتی از متنوع‌سازی صادرات ارائه شده است؛ برای مثال، در برخی مطالعات مانند الونگ و سیگل^۲ (۱۹۹۴) و فرانتینو^۳ (۱۹۹۷)، متنوع‌سازی به مفهوم توسعه ترکیب صادرات کشور از کالاهای اولیه به کالاهای صنعتی بیان شده است، این در حالی بوده که در گروه دیگری از مطالعات مانند هیرش و لئو^۴ (۱۹۷۱) و مکین و نگوئین^۵ (۱۹۸۰)، متنوع‌سازی به صورت عدم تمرکز

1- Rosenstein Rodan
2- Alwang & Seigol
3- Ferrantino
4- Hirsch & Leu
5- Macbean & Nguyen

ترکیب صادراتی کشور در تعداد محدودی از کالاهای صادراتی بیان شده است. به این ترتیب، هرچه صادرات کشور در تعداد بیشتری از کالاهای صادراتی متبلور شود، متنوع‌سازی بیشتر خواهد بود.

براساس نتایج حاصل از مطالعات گرینوی و همکاران^۱ (۱۹۹۹)، نه تنها رابطه مثبت و معناداری بین صادرات و رشد وجود دارد، بلکه ترکیبات و ساختار صادرات نیز در شدت رشد اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. علاوه بر این، شناسایی عوامل تعیین‌کننده الگوهای صادراتی به منظور بهبود عملکرد اقتصادی ضروری است. براساس تئوری‌های تجارت بین‌الملل، کشورهای درحال توسعه به دلیل برخورداری از مزیت‌های نسبی و فراوانی نهاده‌های تولیدی از تخصص‌های اولیه اقتصادی منتفع می‌شوند. همچنین وفور نهاده‌های تولیدی در این کشورها، ورود سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را تشدید کرده است. در همین حال، برخی اقتصاددانان توسعه، تخصص‌گرایی بین‌المللی را به لحاظ وابستگی شدید اقتصاد به کالاهای صادراتی مورد انتقاد قرار می‌دهند. براساس این، آنها معتقدند، تخصص‌گرایی بین‌المللی در کالا برای یک کشور به وابستگی شدید اقتصاد آن کشور به درآمدهای صادراتی حاصل از آن منجر می‌شود، اما به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن قیمت کالاهای صادراتی در صورت نوسانات شدید در قیمت به بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی می‌انجامد و این موضوع موجب بی‌ثباتی شدید در تولید ناخالص داخلی می‌شود. به عبارت دیگر، در کشورهای درحال توسعه صادرات به‌عنوان یک نهاده تولیدی (مواد اولیه و واسطه‌ای) رفتار می‌کند و به دلیل آنکه سهم اعظمی از واردات اغلب این کشورها را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای (به‌عنوان نهاده تولیدی) تشکیل می‌دهد و منابع تأمین مالی این نوع واردات از محل درآمدهای صادراتی تأمین می‌شود، از این رو، بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی به اختلال در واردات این نوع نهاده‌های تولیدی منجر و به تبع آن، سبب ایجاد بی‌ثباتی در رشد اقتصادی می‌شود (پورعبادالهان، اصلانی‌نیا و محسنی، ۱۳۸۹).

تشکیلات تجاری و همچنین اقتصادی در هر کشور، با گسترش صادرات به بهبود مدیریت

1- Greenaway et al.

اقتصادی، تکنولوژی و شیوه‌های بهتر تولید تشویق می‌شوند، بنابراین، فرصت‌هایی که پیش از این نادیده گرفته می‌شدند، به منابع اصلی برای رشد اقتصادی تبدیل می‌شوند. فدر^۱ ادعا دارد، بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی دلیل مهمی برای تنوع بخشیدن به صادرات بوده که مشابه اثر پرتفولیو در بازار دارایی‌هاست. از آنجا که قیمت کالاها اغلب نوسان دارد، چنانچه کشوری به صادرات تعداد محدودی کالا وابسته باشد، از بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی رنج می‌برد. این موضوع می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری توسط بنگاه‌های ریسک‌گریز منجر شود و نااطمینانی را در سطح کلان افزایش دهد و در بلندمدت برای رشد اقتصادی زیان‌آور باشد و آن را با نوسانات جدی روبه‌رو کند. بنابراین، متنوع‌سازی صادرات می‌تواند در بلندمدت به ثبات درآمدهای صادراتی کمک و ثبات رشد اقتصادی را تضمین کند (گوش و استرای^۲، ۱۹۹۴).

براساس این، ساختار تجاری و صادرات کشورها می‌تواند نقشی مهم در ثبات رشد اقتصادی، به‌خصوص از مسیر باز بودن تجاری داشته باشد. افزایش مبادلات تجاری بین‌المللی می‌تواند از یک سو، به کاهش بی‌ثباتی رشد اقتصادی کمک کند و از سوی دیگر، اقتصاد را به‌طور گسترده‌تری در معرض نوسانات جهانی قرار دهد. وابستگی صادرات به چند کالای خاص سبب می‌شود هنگام بروز یک اختلال در صادرات، بخش وسیعی از تولید و درآمدهای ارزی کشور با مشکل مواجه شود. بنابراین، باز بودن تجاری زمانی می‌تواند آثار مفیدی بر ایجاد ثبات رشد اقتصادی داشته باشد که با تنوع صادرات همراه شود.

۳- پیشینه تحقیق

در ارتباط با آثار تجارت بر رشد اقتصادی ادبیات گسترده‌ای وجود دارد که اغلب بر رابطه مثبت تجارت با رشد اقتصادی تمرکز داشته‌اند. از این دست مطالعات می‌توان به مطالعات بهمنی اسکویی و نیرومند^۳ (۱۹۹۹)، لوید و مک لارن^۴ (۲۰۰۰)، یانی کابا^۵ (۲۰۰۳)، بشر و

-
- 1- Feder
 - 2- Ghosh & Ostry
 - 3- Bahmani-Oskooee & Niroomand
 - 4- Loyd & McLaren
 - 5- Yanikkaya

خان^۱ (۲۰۰۷)، کیم^۲ (۲۰۱۱) و جوینی^۳ (۲۰۱۵)، در خارج از کشور و آذربایجانی (۱۳۸۱)، شمسی‌اف (۱۳۸۳)، فرهادی (۱۳۸۳)، مرادی و مهدی‌زاده (۱۳۸۴)، اسلاملوئیان و همکاران (۱۳۸۹) و گرگانی (۱۳۹۳)، در داخل کشور اشاره کرد.

اما مطالعات بسیار اندکی در ارتباط با چگونگی اثرگذاری باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی انجام شده است، همچنین مطالعات معدودی در خصوص بررسی اثر متنوع‌سازی صادرات بر رشد اقتصادی یا بی‌ثباتی آن وجود دارد. در واقع، اغلب مطالعات، در خصوص آثار تنوع صادراتی بر رشد اقتصادی تمرکز یافته‌اند. از این رو، در ادامه، به بررسی مطالعات در دو بخش می‌پردازیم؛ ابتدا مطالعاتی که در ارتباط با بی‌ثباتی رشد اقتصادی هستند، ارائه می‌شوند و سپس، پژوهش‌هایی که در خصوص تنوع صادراتی و آثار آن بر رشد اقتصادی یا ثبات آن متمرکز شده‌اند، بررسی می‌شوند.

۳-۱- مطالعات در رابطه با بی‌ثباتی رشد اقتصادی

در سال‌های اخیر توجه به ثبات رشد اقتصادی جایگاه ویژه‌ای در مطالعات تجربی یافته است. در اینجا به‌طور مختصر مطالعات این حوزه را که نزدیکی بیشتری با موضوع مورد بررسی در این مقاله دارند، مرور می‌کنیم.

لیپفورد^۴ (۲۰۰۷)، به بررسی ارتباط شاخص آزادی اقتصادی جهانی و عملکرد کوتاه‌مدت ۸۷ کشور منتخب در دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۰، پرداخت. نتایج، این فرضیه را تأیید کرد که آزادی اقتصادی نوسانات سیکل‌های تجاری را کاهش می‌دهد و نه تنها سبب افزایش استانداردهای زندگی می‌شود، بلکه نوسانات این استانداردها را کاهش می‌دهد.

داوسون^۵ (۲۰۱۲)، به بررسی رابطه آزادی اقتصادی و نوسانات اقتصاد کلان در ۸۵ کشور مختلف و در بازه زمانی ۲۰۰۷-۱۹۸۰، پرداخت. نتیجه این مطالعه رابطه منفی و معناداری را بین آزادی اقتصادی و نوسانات اقتصاد کلان نشان می‌داد. نتایج بیان‌کننده آن

1- Bashar & Khan

2- Kim

3- Jouini

4- Lipford

5- Dawson

بود که آزادی اقتصادی به‌خودی‌خود یک شوک نیست که باعث کاهش بی‌ثباتی اقتصادی شود، بلکه آزادی به اقتصاد این امکان را می‌دهد که با شوک‌های دیگری که ایجادکننده چرخه‌های تجاری هستند، بهتر مقابله کند.

کمپل و اشنایدر^۱ (۲۰۱۳)، به بررسی تأثیر رشد شاخص آزادی اقتصادی جهانی بر نوسانات رشد اقتصادی در ۱۰۹ کشور مختلف در بازه زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۰، پرداختند. نتایج این مطالعه بیان‌کننده آن بود که افزایش در آزادی اقتصادی کل می‌تواند نوسانات اقتصادی را کاهش دهد.

سالم و یوسف‌پور (۱۳۹۱)، با بررسی آثار باز بودن تجاری در کشورهای درحال توسعه به این نتیجه رسیدند که اجرای فرآیند آزادسازی تجاری به‌لزام با رشد اقتصادی و آثار مثبت تجاری همراه نیست و مستلزم هماهنگی اقتصادی داخلی به لحاظ ساختاری، مقررات اقتصادی، سیاست‌های هماهنگ و ثبات اقتصادی است.

بهبودپور و رحمانی (۱۳۹۲)، به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر نوسانات رشد اقتصادی در ۴۸ کشور درحال توسعه منتخب با استفاده از داده‌های تلفیقی و مقطع زمانی در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۰، پرداختند. نتایج بیان‌کننده آن بود که افزایش در شاخص آزادی اقتصادی به کاهش نوسانات اقتصادی در کشورهای مدنظر منجر شده است.

۳-۲- مطالعات در رابطه با آثار تنوع صادراتی بر رشد اقتصادی و بی‌ثباتی آن
گرینوی و همکاران (۱۹۹۹)، در چهارچوب یک الگوی پنل پویا مطالعه‌ای را روی اثر صادرات بر رشد اقتصادی انجام دادند. براساس نتایج حاصل از این مطالعه، نه تنها رابطه مثبت و معناداری بین صادرات و رشد وجود دارد، بلکه ترکیبات و ساختار صادرات نیز شدت رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

حسه (۲۰۰۸)، در مقاله خود، با عنوان متنوع‌سازی صادرات و رشد اقتصادی مرور جامعی بر این موضوع داشت. وی با استفاده از مدل رشد سولو و رویکرد داده‌های تابلویی پویا رابطه بین متنوع‌سازی صادرات و رشد درآمد سرانه را در ۹۹ کشور در دوره زمانی

۲۰۰۰-۱۹۶۱، تخمین زد. یافته‌های وی نشان داد، هرچه تمرکز صادراتی در تعداد محدودی کالا باشد، اثری منفی بر تولید ناخالص داخلی دارد.

سلمان^۱ (۲۰۱۶)، به بررسی اثر متنوع‌سازی صادرات بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی پرداخت. یافته‌های این مطالعه نشان داد که تنوع بیشتر صادراتی موجب کاهش بی‌ثباتی در رشد اقتصادی در گروه کشورهای مورد بررسی می‌شود.

بالواگ و پاگک^۲ (۲۰۱۶)، به بررسی اثر باز بودن تجاری، تنوع صادرات، نهادها و نوسانات تولید در چهارچوب یک الگوی پنل بین‌کشوری پرداختند، نتایج مطالعات آنها بیان‌کننده آن بود که متنوع‌سازی در کشورهایی که میزان بالایی از تنوع صادراتی دارند، می‌تواند نوسانات ناشی از باز بودن تجاری را کاهش دهد.

صمدی (۱۳۸۱)، در تحقیقی با عنوان اثر متنوع‌سازی صادرات بر رشد اقتصادی، نخست ساختار ترکیب صادرات غیرنفتی را بررسی کرد و سپس، به بررسی تأثیر متنوع‌سازی صادرات بر روند رشد اقتصادی در ۱۷ صنعت در بازه زمانی ۱۳۷۷-۱۳۴۷ پرداخت. نتیجه به‌دست آمده نشان داد که در ترکیب صادراتی کشوری که درجه بالایی از متنوع‌سازی وجود دارد، رشد اقتصادی با این جهت همسو بوده است.

کازرونی و حریقی (۱۳۸۴)، در مقاله خود، با عنوان متنوع‌سازی مبادلات تجاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۳۵۹، به نتیجه وجود بردارهای هم‌گرای بلندمدت رسیدند که آثار مثبت را بر رشد اقتصادی نشان داد.

معمارنژاد و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله خود، با عنوان بررسی اثر متنوع‌سازی صادراتی بر رشد اقتصادی ایران، با بررسی ساختار ترکیب صادرات غیرنفتی و همچنین بررسی تأثیر متنوع‌سازی صادرات بر رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۸، به تأثیر مثبت متنوع‌سازی صادرات بر رشد اقتصادی اشاره کردند.

از بررسی مطالعات موجود ملاحظه می‌شود که اغلب مطالعات در رابطه با آثار باز بودن

1- Salman

2- Balavac & Pugh

یا متنوع‌سازی صادرات، بر رشد اقتصادی تمرکز داشته‌اند، این در حالی است که به‌خصوص در ایران پژوهش‌های اندکی در حوزه بی‌ثباتی و نوسانات رشد اقتصادی انجام شده است. در مقاله حاضر، آثار باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی بررسی می‌شود و با ورود تنوع صادرات به الگو، به شکلی که در بخش بعد ارایه می‌شود، نقش متغیر یادشده در این ارتباط بررسی می‌شود. تمرکز این مقاله بر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است که اقتصادی متکی بر صادرات مواد اولیه و خام دارند. تمرکز بر این گروه از کشورها می‌تواند نتایج دقیق‌تری را درباره نحوه اثرگذاری متغیرها بر نوسانات رشد اقتصادی در گروه مورد بررسی داشته باشد.

علاوه بر این، در مقاله حاضر، از شاخص آزادی اقتصادی به‌عنوان متغیر کنترل استفاده شده است که تجمیع زیرشاخص‌ها و متغیرهای متعددی در یک شاخص است. از این رو، ضمن کنترل آثار آن بر نوسانات رشد اقتصادی، مشکلات ناشی از تعداد بالای متغیر کنترل را در اقتصادسنجی مرتفع می‌سازد.

۴- معرفی الگو

در این مطالعه، برای بررسی رابطه بین باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی و همچنین بررسی نقش تنوع صادراتی در این ارتباط، دو الگو به صورت جداگانه مورد تخمین قرار می‌گیرد. الگوی شماره ۱، به‌منظور بررسی رابطه بین باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی، بدون حضور شاخص تنوع صادراتی ارایه شده است.

$$(SD\ Of\ GDP) = \alpha + \beta_1(OPTR) + \beta_3(EWF) + \varepsilon \quad (1)$$

(SD Of GDP): بی‌ثباتی رشد اقتصادی

α : عرض از مبدأ

(OPTR): شاخص باز بودن تجاری

(EWF): شاخص آزادی اقتصادی است که در این پژوهش میانگین ۴ عامل بیان شده

در بخش دوم مقاله است.

با در نظر گرفتن ۴ شاخص اصلی آزادی اقتصادی که خود حاوی ۲۱ زیرشاخص مختلف است، می‌توان ابعاد مختلفی از شرایط اقتصادی حاکم بر کشورها را در یک متغیر واحد جمع کرد. هرکدام از زیرشاخص‌های موجود در این شاخص می‌تواند بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی اثرگذار باشد، این در حالی است که در نظر گرفتن تمام این متغیرها در الگو سبب از دست دادن درجه آزادی زیادی می‌شود و اعتبار تخمین را دچار مشکل می‌سازد.

همان‌طور که بیان شد، تنوع صادراتی می‌تواند بر ارتباط بین باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی مؤثر باشد، از این‌رو، برای بررسی چگونگی اثرگذاری تنوع صادراتی بر رابطه این دو متغیر حاصل ضرب متغیرهای تنوع صادراتی و باز بودن تجاری را وارد مدل کردیم. استفاده از این شیوه، ضریب باز بودن تجاری را غیرخطی می‌سازد. به این صورت که ضریب این متغیر می‌تواند با توجه به مقدار تنوع صادراتی، مقادیر مختلفی داشته باشد. در واقع، با استفاده از این شیوه می‌توان وابستگی مقدار ضریب باز بودن به تنوع صادراتی را آزمود. بنابراین، الگوی شماره ۲، به‌منظور بررسی نقش متنوع‌سازی صادرات به شکل زیر برآورد می‌شود:

$$(SD\ Of\ GDP) = \alpha + \beta_1(OPTR) + \beta_2(OPTR.DIVER) + \beta_3(EWF) + \varepsilon \quad (2)$$

(DIVER): شاخص متنوع‌سازی صادرات

همان‌طور که پیش از این بیان شد، براساس تئوری‌های موجود، اثرگذاری باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی دارای ابهام‌هایی است، عاملی که می‌تواند در این ابهام نقش اساسی داشته باشد، میزان تنوع صادراتی کشور است. بدین صورت که باز بودن تجاری در یک اقتصاد زمانی می‌تواند مفیدتر عمل کند که با تنوع صادراتی همراه باشد، از این‌رو، برای نحوه اثرگذاری متنوع‌سازی صادرات بر رابطه بین باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی ضرب دو متغیر یادشده در الگو وارد شده است.

۴-۱- داده‌ها و منابع آماری

جامعه آماری در این پژوهش، شامل ۱۸ کشور در حال توسعه است^۱ که معیار انتخاب این کشورها براساس موجود بودن داده‌های مورد نیاز مطالعه، طی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۸۰، است. الگوها با روش داده‌های پنل و نرم‌افزار ایویوز مورد برآورد قرار گرفته‌اند. داده‌های مربوط به رشد اقتصادی، شاخص باز بودن تجاری و شاخص تنوع صادراتی از سایت آنکتاد^۲ و شاخص آزادی اقتصادی از مؤسسه فریزر^۳ استخراج شده است. متغیر بی‌ثباتی رشد اقتصادی به صورت انحراف معیار پنج‌ساله تولید ناخالص داخلی سرانه کشورها محاسبه شده است (بالواگ و پاگک، ۲۰۱۶؛ سلمان^۴، ۲۰۱۶؛ بکرت و همکاران^۵، ۲۰۰۶). به همین دلیل، سایر متغیرهای موجود نیز به صورت میانگین پنج‌ساله در نظر گرفته شده‌اند. همچنین به این دلیل که تغییرات شاخص تنوع صادراتی زمان‌بر است و به سرعت اتفاق نمی‌افتد، استفاده از داده‌ها به صورت میانگین ۵ ساله، موجب تغییرپذیری بیشتر داده مورد نظر می‌شود و نتایج بهتری را ایجاد می‌کند.

۴-۱-۱- بی‌ثباتی رشد اقتصادی

نرخ رشد اقتصادی به بیان ساده یک نسبت برحسب درصد بوده که نشان می‌دهد، تولید ناخالص داخلی حقیقی یک اقتصاد در یک سال نسبت به سال قبل چه مقدار رشد داشته است. بی‌ثباتی این متغیر با انحراف معیار ۵ ساله محاسبه شده است.

۴-۱-۲- شاخص باز بودن تجاری

ساده‌ترین و معمول‌ترین شاخص اندازه‌گیری باز بودن تجاری، نسبت تجارت یک کشور (مجموع صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی آن است. مهم‌ترین مزیت این

۱- کشورهای مورد مطالعه شامل ایران، پاکستان، مالزی، بنگلادش، هند، فیلیپین، عراق، کویت، ترکیه، چین، کره، مکزیک، آرژانتین، برزیل، زامبیا، زیمبابوه، مصر و ونزوئلا هستند.

2- Unctad
3- Fraser Institute
4- Salman
5- Bekaert et al.

شاخص، سادگی محاسبه آن و در اختیار داشتن داده‌های لازم کشورهای مختلف برای محاسبه آن در مطالعات بین کشوری است. از این شاخص در مقالات بسیاری استفاده شده است. در این مطالعه، مقادیر شاخص موردنظر براساس فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$OPTR = \frac{X+M}{GDP} \times 100 \quad (۳)$$

که در آن، X نشان‌دهنده صادرات و M نشان‌دهنده واردات است.

۴-۱-۳- شاخص متنوع‌سازی صادرات^۱

شاخص متنوع‌سازی، معیاری برای سنجش تخصصی‌سازی / متنوع‌سازی است که مقادیر آن بین دو عدد صفر و یک قرار می‌گیرد. اعداد نزدیک به یک در شاخص منتشر شده توسط آنکتاد، حکایت از اتکاب صادرات انفرادی کالاها، یعنی درجه بالای تخصصی‌سازی دارد و اعداد نزدیک صفر، بیان‌کننده درجه کمتر این تمرکز است. بنابراین، برای همخوانی جهت تغییرات این شاخص با متنوع‌سازی صادرات، مقادیر آن از یک کم شده است. براساس این، هرچه میزان شاخص متنوع‌سازی صادرات به‌دست آمده افزایش یابد و به عدد یک نزدیک شود، نشان‌دهنده تنوع صادراتی بیشتر است و هرچه مقادیر آن کمتر شود، تنوع کمتری را نشان می‌دهد.

۴-۱-۴- شاخص آزادی اقتصادی

در مورد بی‌ثباتی رشد اقتصادی متغیرهای مختلفی می‌تواند اثرگذار باشد، اما ممکن است ورود همه متغیرها در یک الگوی اقتصادسنجی مطلوب نباشد و موجب کاهش درجه آزادی در تخمین الگو شود. از این رو، بسیاری از محققان برای در نظر گرفتن هم‌زمان آنها از روش شاخص‌سازی استفاده می‌کنند. در این مقاله، به‌منظور کنترل اثر سایر متغیرها از شاخص آزادی اقتصادی استفاده شده است. عوامل موجود در این شاخص می‌توانند بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی مؤثر باشند. با تکیه بر تعریف مؤسسه فریزر، آزادی اقتصادی

(^۱ EWF) دارای پنج مؤلفه اساسی بوده که هر یک شامل زیرشاخص‌های مختلفی است.^۲ این پنج مؤلفه اصلی اندازه دولت^۳، ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت^۴، دسترسی به پول سالم^۵، تنظیم قوانین و مقررات بازارهای اعتباری، کسب و کار^۶ و آزادی تجارت بین‌الملل^۷ است. هر کدام از این زیرشاخص‌ها مقادیری بین صفر تا ده را به خود اختصاص می‌دهد. در این مطالعه، از میانگین چهار جزء از شاخص آزادی اقتصادی (به جز آزادی تجاری که به طور مستقیم در الگو وارد شده است) استفاده کرده‌ایم.

۵- نتایج تجربی

نخستین گام در برآورد الگوی مطالعه، بررسی ایستایی متغیرهای الگو است. نتایج این آزمون در جدول شماره ۱، گزارش شده است، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این آزمون، فرضیه H_0 مبنی بر وجود ریشه واحد و عدم ایستایی متغیر رد و فرضیه H_1 مبنی بر ایستایی متغیرها پذیرفته می‌شود. بنابراین، تمام متغیرها در سطح ایستا هستند و امکان بروز رگرسیون کاذب وجود ندارد.

جدول ۱- نتایج آزمون مانایی آزمون لویین - لین و چو

متغیر توضیحی	آماره محاسباتی	p-value
SD GDP	-۸/۷۸۴۱	۰/۰۰۰
OPTR	-۶/۵۳۴۷	۰/۰۰۰
OPTR.DIVER	-۴/۹۵۸۹	۰/۰۰۰
EFW	-۶/۵۲۶۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

1- Economic Freedom of the World

۲- در مجموع، ۲۱ زیرشاخص مختلف در آن وجود دارد که در ۴ شاخص بیان شده تقسیم شده است.

3- Size Of Government

4- Legal System And Property Rights

5- Sound Money

6- Regulation

7- Freedom To Trade Internationally

پس از بررسی ایستایی متغیرها، با استفاده از آزمون‌های چاو^۱ و هاسمن^۲ نحوه برآورد الگو (داده‌های تلفیقی^۳، اثرات ثابت^۴ و اثرات تصادفی^۵) مورد آزمون قرار گرفته است. ابتدا از طریق آزمون چاو به گزینش الگو از بین داده‌های تلفیقی یا دارای اثرات ثابت و تصادفی می‌پردازیم. همان‌طور که پیش از این بیان کردیم، برای بررسی موضوع موردنظر این مطالعه دو الگو تخمین زده می‌شود، الگوی شماره ۱، به بررسی رابطه بین باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی می‌پردازد و الگوی شماره ۲، به بررسی اثر متنوع‌سازی صادرات بر رابطه بین باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی می‌پردازد. براساس این، آزمون چاو برای الگوهای شماره ۱ و ۲، انجام شده و نتایج آن در جدول‌های شماره ۲ و ۳ گزارش شده است.

جدول ۲- نتایج آزمون چاو برای الگوی شماره ۱

Effect Tests	Statistics	Prob
Cross section F	۳/۶۷۷۳	۰/۰۰۰
Cross section Chi square	۶۱/۶۴۴۳	۰/۰۰۰
Period F	۱/۰۳۶۸	۰/۴۰۹
Period Chi square	۸/۶۶۶۴	۰/۲۷۷
Cross section/Period F	۲/۸۷۵۸	۰/۰۰۰
Cross section/Period Chi square	۶۶/۷۷۰۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

- 1- Chaw Test
- 2- Hausman Test
- 3- Pooled Model
- 4- Fixed Effects
- 5- Random Effects

جدول ۳- نتایج آزمون چاو برای الگوی شماره ۲

Effect Tests	Statistics	Prob
Cross section F	۲/۳۶۰۶	۰/۰۰۳
Cross section Chi square	۴۲/۷۸۳۵	۰۰۰۰
Period F	۱/۲۳۸۷	۰/۲۸۷
Period Chi square	۱۰/۳۸۰۸	۰/۱۶۸
Cross section/Period F	۲/۰۵۰۹	۰/۰۰۶
Cross section/Period Chi square	۵۰/۹۳۳۶	۰/۰۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

فرضیه صفر آزمون چاو، به معنای برآورد الگو به صورت داده‌های تلفیقی و فرضیه رقیب آن، بیان‌کننده برآورد الگو به روش پنل (با اثرات ثابت یا تصادفی) است که با توجه به کمتر بودن p-value از ۵ درصد در هر دو الگو، فرضیه صفر رد می‌شود و بنابراین، الگوها باید به صورت پنل (با اثرات تصادفی یا ثابت) برآورد شود.

در این مرحله، پس از تعیین نتایج آزمون چاو، با آزمون هاسمن به گزینش الگو از بین داده‌های با اثرات ثابت یا تصادفی می‌پردازیم. نتایج این آزمون برای الگوهای شماره ۱ و ۲، در جدول‌های شماره ۴ و ۵، مشاهده می‌شود.

جدول ۴- نتایج آزمون هاسمن برای الگوی شماره ۱

Test Summary	Chi Sq Statistic	prob
Cross-Section Random	۰/۷۲۲۱	۰/۶۹۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

جدول ۵- نتایج آزمون هاسمن برای الگوی شماره ۲

Test Summary	Chi Sq Statistic	prob
Cross-Section Random	۰/۵۵۵۵	۰/۹۰۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

فرضیه صفر آزمون هاسمن، به معنای برآورد الگو با اثرات تصادفی و فرضیه رقیب، به معنای برآورد الگو با استفاده از اثرات ثابت است که با توجه به بیشتر بودن p-value از ۵

درصد در هر دو الگو، نمی‌توان فرضیه صفر را رد کرد و بنابراین، هر دو الگو باید با اثرات تصادفی برآورد شود.

با توجه به آنچه در نتایج آزمون‌ها آمده است، نتایج برآورد الگوهای شماره ۱ و ۲، با استفاده از اثرات تصادفی در جدول شماره ۶، مشاهده می‌شود.

جدول ۶- نتایج تخمین الگوها

الگوی شماره ۲	الگوی شماره ۱	متغیر توضیحی
۶/۸۵۷۴*** (۳/۸۷)	۹/۱۲۶۵*** (۴/۶۳)	عرض از مبدأ
۰/۰۹۸۱*** (۳/۹۹)	۰/۰۲۵۸** (۲/۰۲)	باز بودن تجاری
-۰/۱۳۹۲*** (-۳/۳۲)	-	باز بودن تجاری × تنوع صادراتی
-۰/۹۷۲۴*** (-۳/۰۹)	-۱/۱۸۹۲*** (-۳/۴۹)	آزادی اقتصادی
۷/۵۷۲۶	۶/۵۷۵۴	F-Statistic
۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۱۸	Prob (F-Statistic)
۲/۰۳۸۹	۲/۰۶۸۴	Durbin- Watson Stat

توضیح: *** معناداری ضریب در سطح ۹۹ درصد، ** معناداری ضریب در سطح ۹۵ درصد و * معناداری ضریب در سطح ۹۰ درصد. اعداد داخل پرانتز آماره t هستند.
مأخذ: یافته‌های پژوهش.

براساس نتایج برآورد الگوی شماره ۱، مشاهده می‌شود که ضریب متغیر باز بودن تجاری مثبت ۰/۰۲ و در سطح ۹۵ درصد معنادار است و دلالت بر این موضوع دارد که با افزایش میزان شاخص باز بودن تجاری در کشورهای در حال توسعه مورد بررسی، بی‌ثباتی رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، به عبارت دیگر، می‌توان گفت، با افزایش مبادلات اقتصادی این کشورها با بازارهای جهانی، به‌طور گسترده‌تر در معرض نوسانات خارجی قرار می‌گیرند و بخشی از این نوسانات ناخواسته به اقتصاد آنها تحمیل می‌شود. وابستگی کشورهای در حال توسعه به تولید و صادرات کالاهای اولیه، آنها را نسبت به شوک‌های

کالایی، نوسانات قیمت و کاهش نرخ مبادله، آسیب‌پذیر کرده است. در نتیجه، گسترش تجارت در این کشورها به انتقال این گونه شوک‌ها از طریق تجارت به اقتصاد منجر می‌شود و ثبات رشد اقتصادی را دستخوش تغییر می‌کند. بنابراین، افزایش تجارت در جهت افزایش بی‌ثباتی اقتصادی عمل کرده است.

براساس نتایج برآورد این الگو، ضریب متغیر آزادی اقتصادی منفی و $1/18$ است، به این معنا که با افزایش در میزان آزادی اقتصادی، بی‌ثباتی رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. آزادی اقتصادی به روش‌های مختلف می‌تواند باعث کاهش نوسان شود؛ برای مثال، آزادی در تنظیم و تعدیل دستمزدها، قراردادهای قیمت‌ها ممکن است مانع بروز کسری یا مازاد در اقتصاد شود و همچنین می‌تواند به اقتصاد این توانایی را بدهد که به جای کاهش میزان تولید و اخراج کارگران، شوک‌های به وجود آمده را جذب کند. این نتیجه مطابق نتایج لیفورد (۲۰۰۷)، است که بیان می‌کند آزادی اقتصادی نوسانات سیکل‌های تجاری را کاهش می‌دهد و نه تنها سبب افزایش استانداردهای زندگی می‌شود، بلکه نوسانات این استانداردها را کاهش می‌دهد. همچنین براساس مطالعه داوسون (۲۰۱۲)، رابطه منفی و معناداری بین آزادی اقتصادی و بی‌ثباتی اقتصادی وجود دارد، نتایج این مطالعه بیان‌کننده آن است که آزادی این امکان را به اقتصاد می‌دهد که با شوک‌های دیگری که ایجادکننده چرخه‌های تجاری هستند، بهتر مقابله کند. نتایج این الگو براساس مطالعه بهبودپور و رحمانی (۱۳۹۲)، است که بیان می‌کند افزایش در شاخص آزادی اقتصادی به کاهش بی‌ثباتی اقتصادی منجر می‌شود.

براساس نتایج برآورد الگوی شماره ۲، مشاهده می‌شود که ضریب حاصل ضرب دو متغیر باز بودن تجاری و تنوع صادراتی $0/13-$ و در سطح ۹۹ درصد معنادار است. ضریب باز بودن تجاری در این الگو نیز مثبت ارزیابی شده است. با توجه به هدف تخمین الگوی شماره ۲، باید اثر کل را با توجه به هر دو ضریب به دست آمده، یعنی ضریب باز بودن تجاری به همراه ضرب دو متغیر باز بودن تجاری و تنوع صادراتی و در مجموع، تفسیر کرد. ضریب منفی به دست آمده بیان می‌کند که متنوع‌سازی صادرات می‌تواند عوارض

ناشی از حضور در بازارهای جهانی بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی را تعدیل کند، به طوری که هرچه متنوع‌سازی صادرات بیشتر باشد، اثر فزاینده باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی کمتر می‌شود.

همان‌طور که بیان شد، حضور در بازارهای بین‌المللی موجب می‌شود اقتصاد در معرض شوک‌های خارجی قرار گیرد، به طوری که هرچه درجه باز بودن تجاری یک اقتصاد بیشتر باشد، یک اختلال در صادرات و واردات، آثار گسترده منفی بر اقتصاد به دنبال خواهد داشت. مطالعات تجربی انجام شده در این ارتباط نیز نتایج واحد و یکسانی را استخراج نکرده‌اند، یک دلیل مهم برای این ابهام می‌تواند ساختار تجارت و صادرات یک کشور باشد. وابستگی صادرات به چند کالای خاص سبب می‌شود هنگام بروز یک اختلال در صادرات، بخش وسیعی از تولید و درآمدهای ارزی کشور با مشکل مواجه شود. محدود بودن کالاهای صادراتی یا داشتن مقاصد صادراتی محدود باعث افزایش ریسک تجارت بین‌الملل می‌شود و در نتیجه، می‌تواند خطر بروز شوک‌ها و بی‌ثباتی رشد اقتصادی را چندین برابر کند. بنابراین، باز بودن تجاری زمانی می‌تواند آثار مفیدی بر ایجاد ثبات رشد اقتصادی داشته باشد که با تنوع صادرات همراه باشد. این نتیجه مطابق مطالعه بالواگ و پاگ (۲۰۱۶)، است که بیان می‌کند متنوع‌سازی صادرات در کشورهایی که میزان بالایی تنوع صادراتی دارند، می‌تواند بی‌ثباتی ناشی از باز بودن تجاری را کاهش دهد.

برای تبیین بهتر نتایج به دست آمده از الگوی شماره ۲، می‌توان از معادله برآورد شده استفاده کرد. معادله‌ای که مورد برآورد قرار گرفته به صورت زیر بوده است:

$$(SD \text{ of } GDP) = \alpha + \beta_1(OPTR) + \beta_2(OPTR.DIVER) + \beta_3(EWF) + \varepsilon$$

پس از تخمین معادله بالا به نتایج زیر رسیدیم:

$$SDGDP = 6.8574 + 0.0981 OPTR - 0.1392 OPTRDIVER - 0.9724 EWF$$

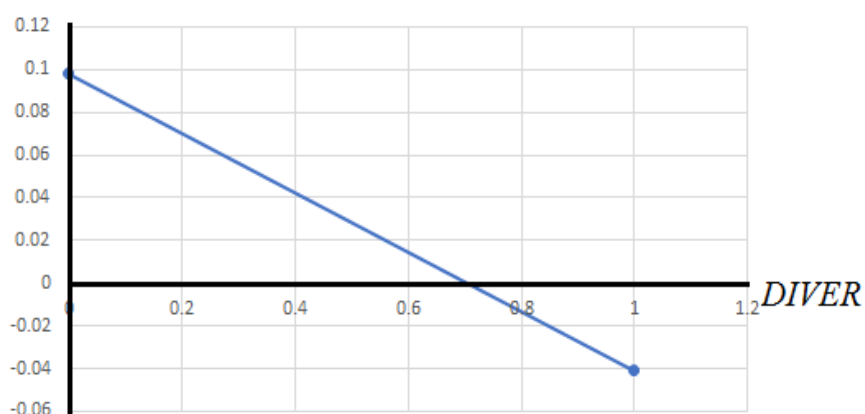
برای تبیین بیشتر موضوع با فاکتورگیری از متغیر OPTR به رابطه زیر می‌رسیم:

$$(SD \text{ of } GDP) = \alpha + (B_1 + B_2 \times DIVER) OPTR + B_3 (EWF)$$

$$SDGDP = 6.8574 + (0.0981 - 0.1392 DIVER) OPTR - 0.9724 EWF$$

تفسیر ضریب باز بودن تجاری در الگوی شماره ۲، به تنهایی امکان‌پذیر نیست، زیرا باید به مجموع عبارت $(\beta_1 + \beta_2 DIVER)$ توجه شود. در واقع، مشتق بی‌ثباتی رشد اقتصادی نسبت به باز بودن اقتصادی با این عبارت به دست می‌آید. برای تبیین بهتر این ارتباط می‌توان از نمودار شماره ۱، استفاده کرد. در این نمودار، اثر باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی تابعی از شاخص تنوع صادراتی در نظر گرفته شده است. بنابراین، رابطه $(\beta_1 + \beta_2 DIVER)$ را در نمودار ترسیم کردیم.

$$\frac{\partial(SDGDP)}{\partial(OPTR)}$$



نمودار ۱- رابطه باز بودن تجاری با تنوع صادراتی

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، با تغییر میزان شاخص متنوع‌سازی صادرات، مقدار ضریب به دست آمده برای باز بودن تجاری تغییر می‌یابد، براساس نمودار، هرچه میزان شاخص تنوع صادراتی افزایش یابد، ضریب باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی کاهش می‌یابد و به سمت منفی شدن پیش می‌رود. از این رو، تنوع صادراتی می‌تواند به کنترل آثار منفی باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی کمک کند. در واقع، اگر میزان

تنوع صادراتی از سطح مطلوبی برخوردار شود، این رابطه حتی می‌تواند منفی شود، یعنی با افزایش باز بودن، بی‌ثباتی رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.

برای به دست آوردن این مقدار آستانه می‌توان از ارتباط زیر استفاده کرد:

$$IF \beta_1 + \beta_2 DIVER > 0 \longrightarrow 0.0981 - 0.1392 DIVER > 0$$



$$DIVER < 0.70$$

بنابراین، مقدار آستانه‌ای تغییر ضریب برابر با ۰/۷ است. براساس معادلات یادشده، در حالتی که شاخص تنوع صادراتی کمتر از ۰/۷ باشد، مجموع ضریب باز بودن مثبت خواهد بود، به این معنا که با افزایش باز بودن تجاری، بی‌ثباتی رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. به این علت که شاخص متنوع‌سازی در نمونه ما همواره کمتر از ۰/۷۰ است، در کشورهای مورد مطالعه تنوع صادراتی کمی وجود داشته و ضریب باز بودن تجاری ($B_1 + B_2 \times DIVER$) همواره مثبت بوده است، در نتیجه، اثرگذاری نهایی باز بودن تجاری در الگوهای شماره ۱ و ۲، با هم تطابق دارد و نشان می‌دهد، در کشورهای درحال توسعه مورد مطالعه، اثر باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی مثبت است و به افزایش بی‌ثباتی رشد منجر می‌شود.

از سوی دیگر، اگر در کشورها تنوع صادراتی مناسبی ایجاد شود، این رابطه می‌تواند عکس حالت فوق باشد، به این ترتیب که داریم:

$$IF \beta_1 + \beta_2 DIVER < 0 \longrightarrow 0.0981 - 0.1392 DIVER < 0$$



$$DIVER > 0.70$$

در این حالت، مجموع ضریب باز بودن تجاری منفی خواهد بود، یعنی در حالتی که میزان شاخص تنوع صادراتی پایین و تنوع صادراتی بالا باشد، افزایش باز بودن تجاری به کاهش بی‌ثباتی رشد اقتصادی منجر می‌شود.

همچنین ضریب شاخص آزادی اقتصادی ۰/۹۷ و منفی است که به معنای این است که هرچه میزان آزادی اقتصادی افزایش یابد، بی‌ثباتی رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش، هدف اصلی، بررسی اثر متنوع‌سازی صادرات بر رابطه بین باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منتخب بوده است. بدین منظور از داده‌های مربوط به ۱۸ کشور در حال توسعه منتخب از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ استفاده شده است. نتایج مطالعه حاضر نشان‌دهنده این بوده که رابطه‌ای مثبت بین باز بودن تجاری با بی‌ثباتی رشد اقتصادی وجود داشته است، این بدان معنا بوده که با افزایش در میزان شاخص باز بودن تجاری، بی‌ثباتی رشد اقتصادی افزایش می‌یابد و رشد اقتصادی را به سمت بی‌ثباتی بیشتر سوق می‌دهد. این نتیجه می‌تواند ناشی از آن باشد که با حضور در بازارهای جهانی و افزایش مبادلات اقتصادی، یک کشور به‌طور گسترده‌ای در معرض نوسانات خارجی قرار می‌گیرد.

در این پژوهش، در یک الگوی دیگر، تنوع صادراتی، به صورت متقاطع با متغیر باز بودن تجاری در الگو وارد شد و نتایج حاصل از آن نشان داد، زمانی که اقتصاد به صادرات یک یا چند محصول خاص وابسته باشد، نوسانات جهانی، قیمت و تقاضای آن محصولات را دچار نوسان می‌کند و در نتیجه، درآمدهای ارزی ناشی از تجارت و رشد اقتصادی دچار نوسان می‌شود. همچنین براساس نتایج تخمین مدل موردنظر، ضریب متقاطع دو متغیر تنوع صادراتی و باز بودن تجاری منفی ارزیابی شده و به معنای این است که در اقتصادهای دارای تنوع صادراتی بالا، نسبت به اقتصادهای دیگر، نوسانات پیش آمده ناشی از تجارت، اثرات منفی کمتری در کل اقتصاد برجای خواهند گذاشت. از این رو، زمانی که اقتصاد کشور با حضور در بازارهای جهانی با نوسان و بحران روبه‌رو می‌شود، تنوع صادراتی با جذب شوک‌ها و نوسانات، اثرات منفی کمتری بر رشد اقتصادی می‌گذارد و این‌گونه به کاهش بی‌ثباتی رشد اقتصادی ناشی از افزایش میزان مشارکت اقتصاد در مبادلات جهانی کمک می‌کند. در اقتصادهایی که مقدار پایین شاخص تنوع صادراتی (تمرکز صادراتی بالایی) دارند، نوسانات احتمالی در بازارهای جهانی از طریق تجارت و حتی نوسانات مربوط به قیمت کالاهای صادراتی به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن قیمت‌ها،

به راحتی وارد اقتصاد می‌شود و اثر خود را نمایان می‌سازد، اما هرچه تنوع صادراتی بیشتر شود، می‌تواند به عنوان فیلتری در برابر شوک‌ها و نوسانات عمل و اثرات نامطلوب نوسانات را بر متغیرهای اصلی کلان از جمله رشد اقتصادی کمتر کند.

به همین دلیل، انتظار می‌رود، اگر اقتصادی بتواند ترکیب صحیح و متنوعی از صادرات را تشویق کند، در این صورت تمام یا بخش زیادی از نوسانات قیمت در یک زیرمجموعه از کالاهای موجود در سبد صادراتی آن کشور، از طریق زیرمجموعه دیگری از کالاهای صادراتی جبران می‌شود. براساس این، متنوع‌سازی کالاهای صادراتی اغلب به عنوان راه‌حلی برای رهایی این کشورها از روند کاهش قیمت کالاهای صادراتی و بی‌ثباتی درآمدهای ارزی توصیه شده است.

در سال‌های اخیر، متنوع‌سازی صادرات در کشورهای در حال توسعه، به خصوص در کشورهای نفت‌خیزی مانند ایران که سهم عمده‌ای از درآمدهایشان به صادرات مواد معدنی و نفت وابسته است، بسیار با اهمیت به نظر می‌رسد، زیرا اقتصادهایی که وابستگی شدیدی به درآمدهای صادراتی دارند بهتر است صادرات خود را در گروه‌های کالایی متفاوتی قرار دهند تا در صورت بروز نوسانات و شوک‌ها، آسیب کمتری به کل نظام اقتصادی برسد و رشد اقتصادی کمتر دچار نوسان شود، در حقیقت، متنوع‌سازی صادرات به عنوان عامل ضربه‌گیر در مقابل شوک‌های خارجی عمل و نوسانات ناشی از حضور اقتصاد را در تجارت جهانی تعدیل می‌کند. با عنایت به اهمیت مسئله ثبات رشد اقتصادی و تلاش برای کاهش بی‌ثباتی رشد اقتصادی و نظر به اثرگذاری مطلوب متنوع‌سازی صادرات بر بی‌ثباتی رشد، توصیه می‌شود، کشورهای در حال توسعه مورد بحث از جمله ایران برای دستیابی به رشد و توسعه پایدار اقتصادی، علاوه بر راهبرد توسعه صادرات، سیاست متنوع‌سازی اقلام صادراتی را نیز در کنار سایر عوامل مدنظر قرار دهند و به صنایع صادراتی توجه ویژه داشته باشند و از وابستگی به صادرات تک‌محصولی رهایی یابند. همچنین برای کاهش بی‌ثباتی رشد اقتصادی که به عنوان یکی از اهداف اصلی هر اقتصاد است و بنابر رابطه نزدیکی که با رفاه جوامع دارد، باید به دو مقوله باز بودن تجاری و

آزادی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه توجهی ویژه شود، زیرا براساس نتایج این مقاله، در صورتی که همراه با تنوع لازم در صادرات باشند اقتصاد را یاری می‌دهند تا بتواند آسان‌تر نوسانات ناشی از بروز بحران‌ها و شوک‌ها را جذب و آنها را خنثی کند.

منابع

- آذربایجانی، کریم (۱۳۸۱). جهانی شدن هم‌گرایی اقتصادی- منطقه‌ای و تأثیر آن بر کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری قفقاز. *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۱، ۱۶۹-۱۴۹.
- اسلاملوئیان، کریم، شفیعی سروسنایی، مریم و جعفری، محبوبه (۱۳۸۹). بررسی اثر باز بودن تجاری بر متغیرهای کلان در اقتصاد ایران ۱۳۸۶-۱۳۴۰. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال چهاردهم، شماره ۴۳، ۲۱-۱.
- بهپور، سجاد، رحمانی، تیمور و شجاع‌الدین، رقیه (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آزادی اقتصادی برنوسانات اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه. *فصلنامه پژوهشی اقتصادی کاربردی*، سال اول، شماره سوم، ۱۵۰-۱۳۱.
- پورعبدالهان کویچ، محسن، میهن اصلانی‌نیا، نسیم و محسنی زنوزی، فخری سادات (۱۳۸۹). بررسی الگوهای تخصص‌گرایی در تجارت و بهره‌وری صادرات در کشورهای عضو اوپک با تأکید بر جایگاه ایران. *فصلنامه مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)*، دوره ۴، شماره ۱۴، ۱۸۲-۱۵۷.
- خدادادی، عباس (۱۳۸۲). متنوع‌سازی صادرات و تغییر نرخ مبادله: مورد ایران (۱۳۸۰-۱۳۴۲). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- رضایی، عباسعلی و مهرآرا، محسن (۱۳۸۸). کیفیت نهادها و آثار آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه منتخب. *پژوهشنامه بازرگانی*، دوره ۱۴، شماره ۵۶، ۳۲-۱.
- سالم، بهنام و یوسف‌پور، نفیسه (۱۳۹۱). بررسی آثار آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه. *ماهنامه بررسی مسایل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۱، ۱۰۴-۹۳.
- شمسی‌اف، جهانگیر (۱۳۸۲). تأثیر آزادسازی تجارت خارجی بر رشد اقتصادی (۱۲ کشور اتحاد شوروی سابق). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد.

شهنازی، روح‌اله (۱۳۸۴). تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه (بررسی مقایسه‌ای بین کشورهای منتخب). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی دانشگاه اصفهان.

صمدی، علی حسین (۱۳۸۱). ارزیابی تأثیر صادرات و بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی بخش‌های مختلف اقتصادی بر رشد اقتصادی این بخش‌ها، مطالعه موردی ایران (۱۳۴۷-۱۳۷۴). *نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، دوره ۱۰، شماره ۳۸، ۱۲۷-۱۱۳.

فرهادی، علیرضا (۱۳۸۳). بررسی آثار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران. *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۸۴، ۵۸-۲۷.

کازرونی، سیدعلیرضا، حریقی، محمدفریدین (۱۳۸۴). متنوع‌سازی مبادلات تجاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۳۶، ۵۲-۲۹.

گرگانی، نسیم (۱۳۹۳). ارزیابی تأثیر درجه باز بودن تجارت بر تورم، کسری بودجه و رشد اقتصادی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.

محمدی، حسین و دوگانی، آزاده (۱۳۹۴). تأثیر نابرابری درآمد بر میزان مصرف خصوصی در ایران با تأکید بر درجه باز بودن اقتصاد. *فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، دوره ۷، شماره ۲۸، ۱۷۲-۱۵۷.

مرادی، محمدعلی و مهدیزاده، مریم (۱۳۸۴). تجارت خارجی و رشد اقتصادی در ایران. *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، شماره ۳، ۷۲-۳۸.

معمارنژاد، عباس، امام‌وردی، قدرت‌اله و شایسته، افسانه (۱۳۸۷). بررسی اثرمتنوع‌سازی صادرات بر رشد اقتصادی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی (سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۸). *فصلنامه اقتصاد مالی*، دوره ۲، شماره ۳، ۵۴-۳۷.

Alwang, J., & Siegel, P. B. (1994). Portfolio models and planning for export diversification: Malawi, Tanzania and Zimbabwe. *The Journal of Development Studies*, 30(2), 405-422.

Bahmani-Oskooee, M., & Niroomand, F. (1999). Openness and economic growth: an empirical investigation. *Applied Economics Letters*, 6(9), 557-561.

- Balavac, M., & Pugh, G. (2016). The link between trade openness, export diversification, institutions and output volatility in transition countries. *Economic Systems*, 40(2), 273-287.
- Bashar, O. K., & Khan, H. (2007). Liberalization and growth: An econometric study of Bangladesh. Working paper of U21 Global, No. 001/2007.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2009). Economic vulnerability and resilience: Concepts and measurement". *Oxford development studies*, 37(3), 229-247.
- Campbell, N., & Snyder, T. (2012). Economic freedom and economic volatility. *Journal of International and Global Economic Studies*, 5(2), 60-76.
- Dunning, T. (2005). Resource dependence, economic performance, and political stability. *Journal of conflict resolution*, 49(4), 451-482.
- Feder, G. (1983). On Exports and Economic Growth. *Journal of development economics*, 12(1-2), 59-73.
- Ferrantino, M. J. (1997). International trade, environmental quality and public policy. *World Economy*, 20(1), 43-72.
- Ghosh, A. R., & Ostry, J. D. (1994). Export instability and the external balance in developing countries. *Staff Papers*, 41(2), 214-235.
- Greenaway, D., Morgan, W., & Wright, P. (1999). Exports, export composition and growth. *Journal of International Trade & Economic Development*, 8(1), 41-51.
- Hesse, H. (2008). Export diversification & economic growth. Working paper of World Bank.
- Hirsch, S., & Lev, B. (1971). Sales stabilization through export diversification. *The Review of Economics and Statistics*, 53(3), 270-277.
- Jouini, J. (2015). Linkage between international trade and economic growth in GCC countries: Empirical evidence from PMG estimation approach. *The Journal of International Trade & Economic Development*, 24(3), 341-372.
- Kim, D. H. (2011). Trade, growth and income. *The Journal of International Trade & Economic Development*, 20(5), 677-709.
- Lipford, J. W. (2007). Short run macroeconomic performance and economic freedom: Can economic growth rates be higher and more stable. *Journal of Private Enterprise*, 23(1), 3-29.
- Loyd, P. J., & MacLaren, D. (2000). Openness and growth in East Asia after the Asian crisis. *Journal of Asian Economics*, 11(1), 89-105.
- MacBean, A. I., & Nguyen, D. T. (1980). Commodity concentration and export earnings instability: A mathematical analysis. *The Economic Journal*, 90(358), 354-362.

- Prebisch, R. (1962). The economic development of Latin America and its principal problems. *Economic Bulletin for Latin America*.
- Romer, P. M. (1990). Two strategies for economic development: using ideas and producing ideas. *The World Bank Economic Review*, 6(suppl_1), 63-91.
- Rosenstein-Rodan, P. N. (1943). Problems of industrialisation of eastern and south-eastern Europe. *The economic journal*, 53(210/211), 202-211.
- Salman, S. A. (2016). *Growth Volatility and Export Diversity in OIC Countries* (No. 1437-4).
- Yanikkaya, H. (2003). Trade openness and economic growth: a cross-country empirical investigation. *Journal of Development economics*, 72(1), 57-89.